روزنه

بیانیه دولت درباره تصمیم کارگروه اقدام مالی (FATF)

● **شرق:** تصمیم کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) در قراردادن ایران در لیست سیاه باعث شد تا دولت روز گذشته در این خصوص بیانیه‌ای صادر کند. جمعه بود که کارگروه ویژه اقدام مالی با اعلام ثبت ایران در لیست سیاه، در یک بیانیه از کشورهای جهان خواست برای مصون‌نگه‌داشتن سیستم بانکی‌شان از خطر پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در نقل‌وانتقالات مالی ایران، «اقدامات مقابله‌ای» به کار بگیرند. دو لایحه الحاق به کنوانسیون «مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)» و معاهده مبارزه با جرائم مالی سازمان‌یافته (پالرمو) آن‌قدر بین شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام پاس‌کاری شد تا در نهایت مهلت به پایان رسید و ایران در لیست سیاه قرار گرفت. حسن روحانی، روز یکشنبه در جلسه هیئت دولت درخصوص قرارگرفتن ایران در لیست سیاه گفته بود: «اینک وقت آن است آنها که بهانه به دست آمریکا داده‌اند، پاسخ‌گوی موضع‌گیری غیرکارشناسانه خود باشند». متن بیانیه دولت به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر هیئت دولت به شرح زیر است:

۱- سیاست ضدتروریسم ایران، مبتنی‌بر ماهیت عدالت‌خواهانه و صلح‌طلبانه نظام جمهوری اسلامی ایران است و در همه حوزه‌ها، از جمله مقابله با تأمین مالی تروریسم، به طور جدی اعمال می‌شود و انگیزه ما در پیگیری همه اقدامات علیه پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، خواست مردم ما و قوانین و مقررات داخلی ماست که در ادوار مختلف مجلس و دولت تصویب شده است.

۲- بر همین اساس، از همکاری با کشورهای دیگر در این زمینه نیز استقبال کرده‌ایم و با اجرای مقررات مورد قبول کشورهای جهان و استانداردهای بین‌المللی در این زمینه که در راستای قوانین و مقررات داخلی ما و به مصلحت کشور بوده است، موافقت کرده‌ایم.

۳- بی‌تردید، قراردادن نام ایران در گروه کشورهای غیرهمکار (لیست سیاه)، چه در دوره دولت دهم و چه در این دوره، با تحریکات و انگیزه‌های سیاسی برخی بدخواهان ایران بوده است؛ لیکن برخورد فنی و کارشناسی ایران، در دولت یازدهم که به تأیید برنامه اقدام ایران انجامید، این تحریکات را در آن مرحله، بی‌اثر نمود.

۴- از آنجا که ایران همواره به مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم معتقد بوده است، از زمان دولت دهم، با پیگیری شورای‌عالی امنیت ملی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، جهت‌گیری همکاری با FATF و توافق برای اجرای برنامه کاری به تأیید رسیده و در دستور کار دولت قرار گرفته بود.

۵- با تغییر دولت و فعال‌شدن دیپلماسی خروج از تحریم‌ها، دولت در این مرجع بین‌المللی هم فعالانه حضور پیدا کرد و اقدامات خود را در مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم ارائه کرد که به تغییر وضعیت ایران و کسب یک فرصت دوساله برای تعامل بین‌المللی منجر شد.

۶- در این فاصله، دولت، آنچه از برنامه اقدام که در حیطه اختیار قوه مجریه بود، در مسیر اجرا قرار داد و چهار لایحه قانونی را نیز که از موارد بسیار مهم «برنامه اقدام» بود، تهیه و تصویب و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمود. مجلس هم، این لوایح را با اصلاحاتی به تصویب رساند. شورای نگهبان، یکی از این لوایح، یعنی لایحه مربوط به مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT) را با طرح ایراداتی، به مجلس بازگرداند و نهایتا به سبب قانع‌نشدن مجلس نسبت به توقف این لایحه مهم، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت، ارجاع شد و در آنجا با گذشت یک سال از طرح موضوع، به دلیل عدم تصمیم‌گیری توسط مجمع، این امر مهم، مسکوت گذاشته شد.

۷- متأسفانه لایحه مهم دیگر، یعنی لایحه الحاق به معاهده مبارزه با پول‌شویی نیز که با رفع ایرادات شورای نگهبان از سوی مجلس شورای اسلامی، عملا نهایی شده بود، بدون وجود اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، در دستور کار مجمع قرار گرفت و این لایحه هم، با گذشت یک سال، بدون تصمیم‌گیری، مسکوت ماند.

۸- دولت بر این اعتقاد بوده و هست که در شرایطی که بدخواهان ایران و در رأس آنها دولت آمریکا، نقشه یارگیری برای تشکیل مجدد جبهه ضد ایران را دارد، ما باید تلاش مضاعف برای نشان‌دادن چهره قانون‌گرا، منضبط و ضدتروریسم ایران داشته باشیم و دادن هرگونه بهانه نادرست به دست دشمنان ایران، کمک به نقشه‌های ضدایرانی آنهاست.

۹- دولت، قویا بر این باور است که باید موانع موجود بر سر راه تصویب این دو لایحه رفع گردد و بهانه از دست بدخواهان ایران گرفته شود. ما اقدامات خود در این زمینه را دنبال خواهیم کرد و تمام توان خود را برای حل موضوع، بهبود شرایط و پیشگیری از ورود خسارت بیشتر به منافع ملی و تشدید هزینه‌های تحریم بر زندگی مردم به کار خواهیم بست.

تجدد میرزاحسین‌خانی

ادامه از صفحه ۲

از طرف دیگر هم می‌خواست سران و بزرگان کشور از قبیل وزرا و نظامیان و کسانی که اداره امور واقعی کشور را در دست داشتند همچنان مطیع و گوش‌به‌فرمان خود نگه دارد. میرزا حسین‌خان سپهسالار توانست با ظرافت در این تضادی که ناصرالدین شاه به آن دچار بود، نفوذ کند. او توانست زمینه‌هایی را آماده کند که پس از ناصرالدین شاه به نتیجه برسد. البته در زمان خود ناصرالدین شاه نمی‌توانیم بگوییم توفیق چندانی داشت ولی زمینه‌هایی فراهم کرده بود که بعد از او منجر به توسعه فرهنگی ایران شد. البته توسعه فرهنگی محدودی که فقط در شهرهای بزرگ که کمتر از یک‌چهارم جمعیت کشور را شامل می‌شد، جلوه‌گر شد. آن زمان بیشتر مردم خارج از شهرها سکونت داشتند. شهرهای بزرگ منحصر بود به تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، رشت و... ولی در همین محدوده زمینه‌های توسعه فرهنگی فراهم شد که ۱۳ سال پس از مرگ ناصرالدین شاه جنبش مشروطه را رقم زد. آن هم مشروطه‌ای که خواهان قانون‌مداری در ایران بود. برخی این مسئله را با دموکراسی اشتباه می‌گیرند. دموکراسی در جامعه‌ای که ۹۵ درصد مردمش بی‌سواد هستند و اکثرا در روستاهای دورافتاده اقامت دارند و از حکومت و حاکمان و افکار جدید شناختی ندارند، نمی‌توانست عملی شود. در هیچ جای دیگر دنیا هم نشده بود. اما همین اندازه که این تفکر در ایران رواج پیدا کرد و قانون‌مداری را که قدم اول برای دموکراسی است برداشت و اینکه پیش از سایر کشورهای آسیایی در ایران این اقدام صورت گرفت افتخارآمیز است و این دین بزرگی است که سپهسالار بر گردن ما دارد.

خصوصیات این قانون‌مداری که شما می‌فرمایید و مشیرالدوله برای دست‌پیداکردن به آن و برای تغییر شیوه حکمرانی سنتی به تأسیس نهادهای نوین و صدور بخش‌نامه‌ها یا شیوه‌نامه‌های قانونی دست زد، چه بود؟

مهم‌ترین نکته خارج‌کردن عنان کشور از دست شاه بود و این مهم‌ترین رسالت مشروطیت بود که مالکیت جان و مال و همه‌چیز که در دست شاه بود، از او ستانده شد. درباره اینکه آن مجالس تا چه اندازه واقعی بود مگر مجلس لردها که در تاریخ انگلیس آغازگر دموکراسی بود؛ از ابتدا یک مجلس منتخب دموکراتیک واقعی بود. ولی می‌بینیم به تدریج که جامعه فرهنگی و مدنی شکل می‌گرفت، همین مجالس تبدیل به مجالس دموکراتیک شدند.

عکس: سهند تاکی، شرق

در زمان همان مجالس وقتی مجلس اول شورای ملی قوانینی را به تصویب می‌رساند، اداره امور کشور در صلاحیت ریش‌سفیدان و برگزیدگان مردم قرار گرفت. اینکه انتخاب و گزینش این افراد در جایی که ۹۵ درصد مردم بی‌سواد هستند، چطور صورت می‌گیرد، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. حتی پیش از تشکیل نهاد پارلمان ساختارهای اداری جدید شکل گرفته بود. مثلا تشکیل وزارتخانه‌ها از زمان فتحعلی شاه به تقلید از اروپا که دیدند در آنجا تقسیم کاری صورت گرفته و اداره مملکت پیچیده‌تر از آن است که یک نفر بر کرسی قدرت تکیه بزند و روزانه به همه امور رسیدگی کند، از آن زمان آغاز شد. ابتدا وزارت خارجه تأسیس شد بعد سازمان‌های دیگری مانند نهاد انتظامی. در واقع تقسیم کاری در دربار پدید آمده بود. همین تقسیم کار وقتی خواست تبدیل به سیستم مدرن شود، قانون‌مند شد و شکل مدرنیته به خودش گرفت و سال‌ها بعد بر اثر کودتای سوم اسفند وارد مرحله‌ای شد که ضمن داشتن گونه‌ای از الزام و اجبار و خشونت، قانون‌مداری و نظام کشوری را در قالب مدرن به صورت جدی‌تری درآورد و واقعا مدرسه سیاسی مشیرالدوله که بعدها مدرسه حقوق و مدرسه تجارت هم به آن اضافه شد، به همراه دارالفنون نطفه اساسی شکل‌گیری نظام دانشگاهی ایران را شکل داد.

تحلیل شما درباره گونه‌شناسی مخالفان سپهسالار چیست؟ چه کسانی مخالف برنامه اصلاحی سپهسالار بودند و علت این مخالفت‌ها چه بود؟

دو گروه مخالف بودند؛ یک گروه با افکار جدید نهضت‌هایی که انگیزه انقلابی و سوسیالیستی داشتند و در روسیه در حال پیشرفت بودند و در ایران هم نفوذ کرده بودند و مدیرانی که منتقد سیاسی و شکلی حکومت بوده و مایل بودند با سرعت بیشتری به خواسته‌های دموکراتیک برسند با آن موج انقلابی همراه شده بودند. بدون آنکه جامعه باسوادی با زمینه و قابلیت عمل در یک نظام دموکراتیک را داشته باشد.

گروه دیگر سنتی‌هایی بودند که نگران این بودند مبادا با این مدرنیسم اصول سنتی در قالب مذهبی و... مورد چالش قرار بگیرد. در این گروه کسانی مثل سیدمحمد طباطبایی با آنکه پدربزرگش سیدمحمد مجاهد یک تجربه تلخ در جنگ ایران و روس داشت، به اصلاح‌طلبان گرویده و حتی در جایگاه رهبری نشسته بود و به تضعیف گروه دوم یعنی سنت‌گرایان کمک کرد که همین عاملی مهم در پیروزی نهضت مشروطه بود.

درباره قرارداد رویتر یا کلا سیاست خارجی مشیرالدوله مثلا بحث‌هایی که در حوزه تمامیت ارضی مطرح می‌شود، فکر نمی‌کنید اینها به اصلاحات مشیرالدوله ضربه زد و باعث شد برنامه اصلاحی‌اش زمین‌گیر شود؟

من چنین تصوری ندارم. در آن مقطع آگاهی عمومی کمتر از این بود و نیازها و ضرورت‌ها بیشتر از آن بود که مانع از چنین امتیازهایی شود. البته مسئولیت اصلی امتیازدادن‌ها و درآمدهای حاصل از امتیازها هم بیشتر متوجه شخص شاه بود. ضمنا قرارداد بارون جولیوس دو رویتر به جز بخشی که بعدها مقدمه امضای قرارداد نفت دارسی شد، به جایی نرسید که بخواهد مورد ایراد باشد. اما سنت‌گرایان ایرانی که در استقلال‌طلبی بسیار افراط می‌کردند، نگران این بودند مبادا با این قرارداد که بسیاری از امور مهم کشور را در اختیار رویتر قرار می‌داد، استقلال کشور تضعیف شود که عملا این به نتیجه نرسید و آن قرارداد نفت هم که با شرکت نفت منعقد شد که تازه در سال ۱۹۱۳ با افتتاح پالایشگاه نفت آبادان بود، جدی شد و می‌بینید ۴۰ سال بعد ایرانیان که ناراضی بودند از شرایطی که احساس می‌کردند مبلغ ناچیزی نصیب ایران می‌شود، نفت را ملی کردند و قرارداد دارسی هم در قالب شرکت ملی نفت ایران به پیمانکار کنسرسیوم واگذار شد که بعدها آن هم به‌تدریج آزاد شد و در یک قالب بین‌المللی قرار گرفت و تابع شرایطی شد که سایر کشورها هم به این روش آن را دنبال کرده‌اند. من قرارداد رویتر را نقطه تاریکی در زندگی مشیرالدوله نمی‌دانم.

در بحث تجدد آمرانه تا چه حد امثال مشیرالدوله توانستند موفق عمل کنند و دستاوردش برای امروز ما و نسبتی که با شرایط امروز ما دارد، به چه صورتی است؟

تجدد مشیرالدوله را نمی‌شود خیلی آمرانه تلقی کرد زیرا اصلاحات خودش را با گشایش باب فرهنگی آغاز کرد. باب فرهنگی هم زمان می‌برد تا در جامعه تکامل پیدا کند و بیشتر می‌شود تجدد آمره را به دوره رضاشاه نسبت داد که شتاب او باعث شد این تجدد در ظواهر جلوه‌گر شود و تأثیراتی هم بگذارد. اما تأثیر اصلی‌ای که برنامه مشیرالدوله گذاشت، در حد همان توسعه فرهنگی و نظام آموزشی و دانشگاهی بود که نسبت به جامعه محدود بود و بلافاصله بعد از رفتن او بسیاری از تلاش‌های او برای مدرنیزاسیون آمرانه رنگ باخت. اینکه امروز بیش از ۹۵ درصد مردم ما باسواد و بیش از ۸۰ درصد مردم ما شهرنشین هستند و اعم از اینکه شهرنشین یا غیرشهرنشین باشند، درباره سیستم‌ها و شبکه‌های اینترنتی و کسب آگاهی‌های رسانه‌ای رشدی چشمگیر داریم که خود به خود رخ نمی‌دهد. این روند طولانی توسعه فرهنگی را طی کرده که امروز زمینه را برای مهم‌ترین هدف آغازگران توسعه و تجدد یعنی دموکراسی آماده کرده است.

مأمور امنیتی در ماجرای مک‌فارلین با ناگفته‌هایش رفت

محسن کنگرلو، مشاور امنیتی میرحسین موسوی و یکی از چهره‌های کلیدی ماجرای مک‌فارلین، بعد از یک دوره بیماری درگذشت. او مبتلا به سرطان ریه بود. شروع ماجرای مک‌فارلین در واقع با محسن کنگرلو آغاز می‌شود. اوست که با ارتباط با منوچهر قربانی‌فر، دلال اسلحه، زمینه‌های بعدی ماجرایی را رقم می‌زند که در تاریخ معاصر به مک‌فارلین یا ایران‌کنترا معروف می‌شود. کنگرلو پنج سال پیش برای نخستین بار در دو گفت‌وگو برخی از ناگفته‌هایش از ماجرای مک‌فارلین را شرح داد. اگرچه طرح برخی مسائل را هم به صلاح نمی‌دید و معتقد بود هنوز تاریخ روایتش فرانرسیده است. قرار بود خاطراتش را کامل در کتابی بنویسد و آنجا همه ماجرا را شرح دهد. محسن کنگرلو شخصیتی صاف و صمیمی داشت. برخلاف آنچه تصور می‌شد یک معاون امنیتی سابق باید پیچیده باشد و پیچیده رفتار کند، سکناتش هیچ نشانی از پیچیدگی نداشت. گفت‌وگویش با «شرق» هم بعد از اصرارهای فراوان و جلب اعتمادش میسر شد که سرآغاز سلسله گفت‌وگوهایی بود که بعدا دیگرانی هم سراغش رفتند. محسن کنگرلو با تأسیس گروه فجر اسلام و بعد هم با پیوستن به گروه توحیدی صف، روابطی مخفی با انقلابیونی از جمله شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برقرار کرد و به مبارزه با رژیم شاه پرداخت. در پایه‌گذاری سپاه هم نقش داشت و بعدا به عنوان مشاور امنیتی نخست‌وزیر و سپس مشاور امنیتی و اطلاعاتی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نقش ایفا کرد. در دهه ۶۰ و در روزگاری که هر کسی از روابطش برای خرید اسلحه در دوران جنگ استفاده می‌کرد، او هم از طریق وزیر بازرگانی زمان شاه به منوچهر قربانی‌فر وصل شد. کنگرلو گفته بود: «آقای هاشمی نماینده امام و از مسئولان جنگ بودند و من از طرف آقای موسوی اختیار داشتم که به آقای هاشمی هم گزارش بدهم. من به ایشان گزارش عملکرد می‌دادم و به من اعتماد داشتند. البته همان زمان هم من با پشتیبانی وزارت اطلاعات و وزارت خارجه عمل می‌کردم». کنگرلو معتقد بود در آن زمان تقریبا همه خودشان، خودشان را مسئول می‌دانستند: «اگرچه که برای خرید تسلیحات، وزارت دفاع مسئول بود با این حال، هر کس در هر جا که می‌توانست کمک می‌کرد. عوامل اطلاعاتی در خارج از کشور هم داشتیم. عامل‌های حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی داشتیم. این عوامل کمک زیادی به جنگ و جبهه کردند. خیلی‌ها زمان شاه مسئولیت داشته و تمایل زیادی به همکاری با جمهوری اسلامی در رابطه با جنگ داشتند. توقعی هم نداشتند؛ از وزیر زمان شاه تا درباری و ساواکی. مثلا آقای دکتر مهدوی، وزیر بازرگانی پیشین، تحلیل‌های اقتصادی می‌داد و پیش‌بینی‌هایش اکثرا درست از آب درمی‌آمد». او درباره آشنایی‌اش با منوچهر قربانی‌فر گفته بود: «یک ایرانی در پاریس زندگی می‌کرد و به دلایلی نمی‌توانست به ایران بازگردد. من با او آشنا بودم و او نیز از موقعیت من در ایران آگاه بود. قربانی‌فر را به من معرفی کرد. من البته پس از رعایت احتیاط‌های امنیتی و اطلاعاتی لازم با قربانی‌فر از طریق همین فرد مربوط شدم». در خاطرات هاشمی رفسنجانی آمده است: «... عصر آقای کنگرلو، مشاور نخست‌وزیر، آمد و راجع به آوردن موشک تاو توسط «قربانی‌فر» و آوردن پیام از «بوش» و معاون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد... . عصر آقای کنگرلو آمد و گزارش مذاکره با آمریکایی‌ها را داد [آمریکایی‌ها] اطلاعات چندان مهمی نداده‌اند و خواستار آمدن به ایران به‌طور سری برای بررسی نیازهای جنگی ما بودند... «کنگرلو» اطلاع داد واسطه آمریکایی‌ها فردا به تهران می‌آید... آقای «کنگرلو» آمد و از پذیرفتن آمریکایی‌ها در خصوص تحویل قطعات «هاک» در مقابل کمک به آزادی گروگان‌هایشان در لبنان خبر داد...».

کنگرلو معتقد بود آمدن آمریکایی‌ها یا همان هیئت مک‌فارلین و اولیور نورث به ایران به این دلیل بود که: «آمریکایی‌ها در وهله اول با آمدنشان می‌خواستند بگویند که ما حسن نیت داریم. به هر حال انتخابات آمریکا نزدیک بود و جمهوری‌خواهان می‌خواستند بر دموکرات‌ها پیروز شوند. تصور می‌کردند اگر به هر شکلی مسئله گروگان‌ها را به‌سرعت حل کنند پیروزی‌شان تضمین‌شده است. به نظرم اگر عجله نمی‌کردند و کمی صبر می‌کردند، مشکل‌شان یعنی آزادی گروگان‌ها حل می‌شد. چند موضوع باعث شد کار خراب شود؛ یکی خود شخصیت «مک‌فارلین» بود که فرد عجول، عصبانی و کم‌صبری بود. اگر «اولیور نورث»، مسئول هیئت بود، شاید قضیه طور دیگری می‌شد. «نورث» آدم بسیار صبور و عمیق و مسلطی بود. دوم اینکه پیش خودشان فکر می‌کردند با آمدنشان؛ حسن نیت نشان داده‌اند و می‌توانند بگویند دیگر از این بهتر نمی‌شود که ما می‌آییم تهران در حکم گروگان شما می‌مانیم تا شما همه گروگان‌ها را به‌سرعت آزاد کنید و تا ما به تعهد خود عمل نکرده‌ایم، شما نگذارید از تهران خارج شویم. در نتیجه هم ما در انتخابات موفق شویم، هم کاری می‌کنیم که شما جنگ را ببرید. اما ما به آنها اعتماد نداشتیم، چون ممکن بود آنها به قول و قرارشان پایبند نمانند. از سویی گروگان‌ها که دست ما نبود اما قرار بود واسطه خیر شویم». محسن کنگرلو هنگامی که درگذشت بازنشسته وزارت کشور بود. او به‌تازگی از رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد در مقطع ارشد هم فارغ‌التحصیل شده بود.

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **تفاوت کرایه اتوبوس‌های شرکت واحد:** در گذشته که اتوبوس‌های شرکت واحد بلیتی بودند، کرایه بیشتر مسیرها یکسان بود. با پولی یا کارتی‌شدن اتوبوس‌ها کرایه‌های بسیاری از مسیرها هم متفاوت شده است. درحالی‌که نباید این‌طور باشد.

سعید ثنایی از تهران

● از وقتی که دیگر صورت‌حساب قبض‌های کاغذی تلفن‌های ثابت در اصفهان برای مشترکین ارسال نمی‌شود، ارسال پیامک آن هم با اختلال انجام شده و گاهی این قبض پیامکی هم اصلا ارسال نمی‌شود و در پیامک ماه بعدی همراه با اخطار قطع برای مشترک ارسال می‌شود، متأسفانه از وقتی سهام شرکت مخابرات در چند سال قبل به دیگر ارگان‌ها و افراد غیرمسئول در این حرفه فنی و رشته کاملا تخصصی واگذار شده است، این‌گونه اتفاقات را به اشکال مختلف و دردسرآفرین مرتبا شاهد بوده و هستیم.

محمود بلیغیان

● **قابل‌توجه دهیاری کردامیر رباط‌کریم:** سه‌شنبه، ششم اسفند، ساعت ۱۸ با خودروی وانت‌بار که دو تن بار داخل آن بود به رباط‌کریم و از آنجا به جاده شهریار ـ کرد رفتم. به علت شدت بارش باران و تاریکی جاده، گودال عمیقی را که مقابل مکانیکی علی نرسیده به کوی امید کردامیر، بود و روی آن از آب باران پر شده بود قادر به دیدن آن نشدم و با فرورفتن درون چاله یکی از لاستیک‌های عقب خودرو پنچر و به خودروام خسارت وارد شد. ناگفته نماند لحظاتی بعد یکی از رانندگان پراید هم با این مشکل مواجه شد. چرا دهیار کردامیر از توابع وحیدیه ـ بردآباد به این‌گونه مسائل رسیدگی نمی‌کند و مسئول جبران خسارت خودروی اینجانب و بقیه مردم کیست؟

میثم صراف ـ راننده خودروی شرکت دُریکا

● **انتشار بوی نامطبوع زباله‌ها و بی‌توجهی مسئولان:** آیا تا به حال مسئولان به منطقه شورآباد مراجعه و بوی نامطبوعی را که از محل دپوی زباله‌ها انتشار می‌یابد، دیده و استشمام کرده‌اند؟ چه دلیلی دارد ساکنان که قدرت خرید خانه در جاهای دیگر را ندارند، این بوی مشمئزکننده را تحمل کنند؟ این‌جانب شاید هفته‌ای دو یا سه روز از شورآباد گذر کنم، اما تکلیف بقیه ساکنان چیست؟

عرفان